

مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱۵

شاپای الکترونیکی: ۲۳۸۳-۲۴۹۵

شاپای چاپی: ۲۳۲۲-۲۵۱۴

<http://jrpp.um.ac.ir>

ارزیابی و ترسیم نوع مشارکت زنان روستایی در مشاغل خانگی براساس نردبان شری آرنستین: کاربرد معادلات ساختاری

نسیم ایزدی*^۱ - وحید علی‌آبادی^۲ - حشمت‌الله سعدی^۳

۱- دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲- دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۳- دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ صص ۶۰-۳۹ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۲/۰۸

چکیده

هدف: هدف این تحقیق، ترسیم نوع مشارکت زنان روستای در مشاغل روستایی براساس نردبان مشارکت شری آرنستین و مدل‌سازی در شهرستان کنگاور است.

روش: این تحقیق توصیفی-هم‌بستگی است و جامعه آماری تحقیق را زنان روستاهای شهرستان کنگاور تشکیل دادند که دارای مشاغل خانگی فعال بودند. حجم نمونه ۱۶۸ نفر تعیین شد. در این تحقیق از روش تمام‌شماری استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS 20, Amos 22 استفاده شد.

یافته‌ها: براساس یافته‌ها، اولویت‌بندی پله‌های مشارکت گویای آن است که بالاترین پله به دگرگون‌سازی و آخرین پله به قدرت قانونی تعلق دارد. رابطه بین متغیرهای مستقل و مشارکت مثبت و معنادار بود. نتایج تحلیل مسیر گویای آن است که مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، فردی^۱ حرفه‌ای و نهادی^۲ مدیریتی در مجموع ۷۶ درصد از تغییرات مشارکت زنان در مشاغل خانگی را تبیین می‌کند.

محدودیت‌ها و راهبردها: پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی توجه بیشتری به مشکلات و توانمندی‌های زنان روستایی شود. **اصالت و ارزش:** زنان روستایی با دارا بودن نیمی از جمعیت روستاها نقش عمده‌ای را در فعالیت‌های تولیدی به عهده دارند. حدود هشت میلیون زن روستایی ۱۰ سال به بالا، در بخش کشاورزی و منابع طبیعی فعالیت دارند، این زنان در امور گوناگون در جوامع روستایی مشارکت دارند و در جریان تولید اقتصاد در سطوح ملی و خانواده نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند؛ به طوری که می‌توان از آن‌ها به عنوان کلید دست‌یابی به توسعه روستایی نام برد؛ اما این جمعیت متأسفانه در اکثر برنامه‌ریزی‌ها و تحقیقات نادیده گرفته می‌شوند. این تحقیق به مطالعه این گروه پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: کسب‌وکار خانگی، نردبان مشارکت شری آرنستین، زنان روستایی، AMOS

ارجاع: ایزدی، ن.، علی‌آبادی، و. و سعدی، ح. (۱۳۹۵). ارزیابی و ترسیم نوع مشارکت زنان روستایی در مشاغل خانگی

براساس نردبان شری آرنستین: کاربرد معادلات ساختاری. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۵(۳)، ۳۹-۶۰.

<http://jrpp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/45050>

۱. مقدمه

امروزه بیکاری بیش از پیش به منزله مهم‌ترین نشانه توسعه ناکافی در کشورهای جهان سوم مشاهده می‌شود. زنان روستایی با وجود اهمیت جایگاهشان در توسعه پایدار روستایی، فقط ۱۵/۳ درصد شاغلان روستایی را تشکیل می‌دهند. کارشناسان معتقدند توسعه بخش خصوصی می‌تواند بستر مناسبی برای توسعه اشتغال در کشور و به‌خصوص در مناطق روستایی و در مورد زنان باشد. با فعال شدن این بخش، اقتصاد ملی می‌تواند گام‌های ارزشمندی در جهت توسعه اشتغال بردارد. براساس پژوهشی که سازمان دیده‌بان جهانی کارآفرینی، با در نظر گرفتن ۳۷ کشور جهان انجام داده است، توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط منجر به کاهش معنادار نرخ بیکاری می‌شود و سهم کسب‌وکارهای کوچک در کاهش بیکاری به طور متوسط ۳۰ درصد است (مهربانیان و مؤذنی، ۱۳۸۳). مشاغل خانگی در ایران سابقه‌ای طولانی دارند و هم‌اکنون بسیاری از مشاغل آموزشی، صنایع دستی، بافندگی، حصیربافی، تولیدات دامی و شغل‌های فراوان دیگری در خانه‌ها و به‌خصوص به دست زنان روستایی انجام می‌گیرد. به گفته نجاهی و قاسم‌پور (۱۳۸۹)، زنان در امور گوناگون جوامع روستایی مشارکت دارند و در جریان تولید، اقتصاد در سطوح ملی و خانواده نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند؛ به طوری که می‌توان از آن‌ها به عنوان کلید دستیابی به توسعه روستایی نام برد (شعبانعلی فمی^۱، ۲۰۰۶؛ میرترابی، حجازی و حسینی، ۱۳۸۹؛ چمینسکی^۲، ۲۰۱۰ و آنتوپولو^۳، ۲۰۱۰). وضعیت زنان هر جامعه نشان‌گر میزان پیشرفت آن جامعه و اعتلای کشورها و در گرو استفاده هدفمند از تمامی نیروها و استعدادهای انسانی خود و از جمله زنان است. زنان روستایی به عنوان نیمی از جمعیت روستایی، نقش بارزی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی دارند و رسیدن به توسعه پایدار روستایی توجّه بیش‌تر را به زنان که دوشادوش و هم‌پای مردان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکتی فعالانه دارند، می‌طلبد. (آگهی و حمدحیدری، ۱۳۸۴؛ غنیان، خانی و قدیری معصوم، ۱۳۸۷؛ صفری شالی، ۱۳۸۷). میزان مشارکت زنان به عنوان نیروی کار در سراسر جهان در حال افزایش است، این روند فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای زنان و اقتصاد کشورهای متبوعشان ایجاد می‌کند (اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی)، در حالی که در کشورهای پیشرفته زنان سهم خویش را از اشتغال و مشاغل حرفه‌ای در

سطح وسیعی افزایش داده‌اند، در کشورهای در حال توسعه، نقش زنان در کشاورزی، خانه‌داری و فعالیت‌های غیررسمی بیش‌تر مشاهده می‌شود (هوکیو و اتوهارا^۴، ۲۰۰۸). دگرگون‌سازی نظام موجود به نفع نظامی پایدار که تغییر گسترده اقتصادی، زیستی و اجتماعی را در دستور کار قرار دهد، تنها در سایه مشارکت همه افراد جامعه، عملی می‌شود. از این رو، هرگز نمی‌توان نیمی از جمعیت کشور، آن هم نیمی از توانمندی‌های بی‌پایان؛ یعنی زنان را نادیده انگاشت (شادی طلب، ۱۳۸۱). در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیش‌تر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیش‌تر خواهد بود؛ زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه، باعث افزایش رفاه اجتماعی برای کل جامعه می‌شود. یکی از زمینه‌های مهم فعالیت اقتصادی زنان مشاغل خانگی است. مشاغل خانگی به عنوان نوعی کسب‌وکار که با عضویت اعضای خانواده در فضای مسکونی و در قالب یک طرح کسب‌وکار مجزا، بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی هم‌جوار شکل می‌گیرد، تعریف می‌شود و به عنوان راه‌کاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد در سراسر جهان به‌ویژه برای زنان به شمار می‌رود (بزرگمهر، شایان و صادقی، ۱۳۹۱، ص. ۳۰)؛ اما در کشورهای جهان سوم درصد کمی از زنان روستایی در این زمینه مشغول به کار می‌باشند و متأسفانه کار خانگی این عده نیز در قالب نهاد یا مؤسسه خاصی تعریف نشده است. امروزه با توجّه به افزایش سریع و گسترده جمعیت از جمله جمعیت روستایی ایران از یک سو و ناتوانی بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی کافی برای نیروی کار حجیم و در حال افزایش روستایی از سوی دیگر، توسعه اشتغال غیرکشاورزی به‌ویژه برای گروه‌های کم یا فاقد زمین که برای تأمین نیازهای زندگی درآمد کافی ندارند، از اهمیت زیادی برخوردار است. از سوی دیگر، ویژگی‌های شغلی مناسب برای زنان باید شامل این موارد باشد: انعطاف‌پذیر باشد، ساعت کار، قوانین مرخصی و سایر شرایط آن تابع ویژگی‌ها و نقش‌های زنان و توانمندی‌های آن‌ها باشد و آن‌ها را دچار خستگی مفرط نکند. بین نقش مادری، همسری و نقش شغلی زنان هماهنگی ایجاد کند (آگهی، میرک زاده و تقی بیگی، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۶). به همین دلیل، موضوع این پژوهش ترسیم نوع مشارکت زنان در مشاغل خانگی براساس نردبان شری آرنستین است. در واقع، سؤال این است که عوامل اقتصادی،

دادند. این نویسندگان منافع مختلف گروه‌های متفاوت را در شرکت‌های خانوادگی تعریف کردند و نقش هر یک از افراد را با توجه به تعلق آن فرد به گروه خانواده، مالکیت، کسب‌وکار و یا مدیریت تعیین کردند. این مرتب‌سازی محبوبیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و به عنوان مدل سه‌حلقه‌ای شناخته شد.

۲. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی محسوب می‌شود و از نظر هدف از نوع کاربردی است. در این تحقیق از روش توصیفی - هم‌بستگی استفاده شده و جامعه آماری این تحقیق را زنان روستایی اطراف شهرستان کنگاور که از وام‌های خوداشتغالی در جهت راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی استفاده کردند، تشکیل دادند. تعداد این افراد براساس آخرین آمار مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان کنگاور (خرداد ۱۳۹۳)، ۱۶۸ نفر (گودین ۵۰ نفر، فش ۴۰ نفر، قزوینه ۳۱ نفر، دهلر ۲۸ نفر و رشتیان ۱۹ نفر) بود. با توجه به حجم نمونه از روش تمام‌شماری استفاده شد.

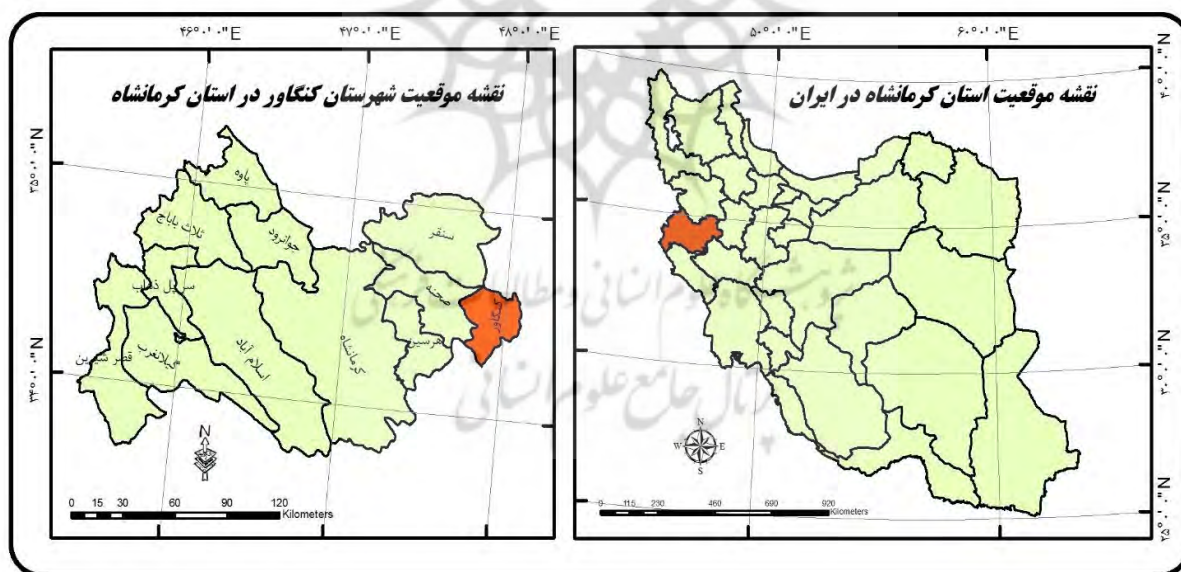
اجتماعی، فرهنگی و غیره بر سطح مشارکت زنان روستایی چه تأثیری دارند؟



شکل ۱- مدل سه حلقه‌ای

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

مشاغل خانگی: هر نوع فعالیت اقتصادی است که در محل سکونت شخص که با استفاده از وسایل و امکانات منزل راه‌اندازی شود (رودگر نژاد و کیاکجوری، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۸). در دهه ۱۹۸۰ میلادی رناتو تاگویری، استاد دانشگاه هاروارد و جان دیویس، محقق دانشگاه هاروارد در مورد تناقض‌های ایجاد شده در درون کسب‌وکارهای خانوادگی که در نتیجه نفوذ متقابل خانواده و شرکت به وجود می‌آید، مطالعه‌ای انجام



شکل ۲- محدوده مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

در این بخش از نردبان مشارکت شری آرنستین استفاده شد. براساس نتایج، به نظر می‌رسد که مشارکت زنان روستایی در ایران بیش‌تر در سطح ۱، ۲، ۳ و ۴ بوده و مشارکت در سطوح ۵، ۶، ۷ و ۸ کم‌تر است. در واقع، مشارکت زنان روستایی در ۴ سطح اولی مشارکت، مشارکت صوری است (زرافشانی، خالدی

ابزار اصلی تحقیق در مرحله میدانی، پرسش‌نامه محقق ساخته براساس مبانی نظری بود. سوالات پرسش‌نامه شامل سه بخش بود: سوالات بخش اول را ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای زنان روستایی تشکیل دادند. بخش دوم را مقیاس برای سنجش میزان مشارکت زنان نسبت به مشاغل خانگی که

شده است. در کل، ۱۶۸ پرسش‌نامه کامل و بدون نقص تکمیل شد. پس از تکمیل داده‌ها عملیات کدگذاری، استخراج اطلاعات و انتقال آن‌ها بر روی رایانه صورت پذیرفت. پس از طی فرآیند داده‌پردازی، محاسبات آماری (توصیفی و استنباطی) با استفاده از برنامه SPSS و AMOS انجام شد.

جدول ۱- مقادیر آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

ردیف	متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
۱	دگرگون‌سازی	۰/۹۳
۲	مرتفع‌سازی	۰/۸۸
۳	آگاه‌سازی	۰/۹۱
۴	مشاوره	۰/۸۵
۵	توافق	۰/۸۶
۶	شراکت	۰/۹۰
۷	قدرت قانونی	۰/۸۲
۸	کنترل	۰/۸۷

۳. مبانی نظری

در این مطالعه، ابتدا سطوح مشارکت براساس مدل نردبان شری آرنستین دسته‌بندی شده است و سپس، با استناد به مطالعات گذشته و روش معادلات ساختاری به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در کسب‌وکارهای خانگی پرداخته شده است. ابتدا مدل نردبان شری آرنستین توضیح داده می‌شود و سپس، به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت پرداخته می‌شود.

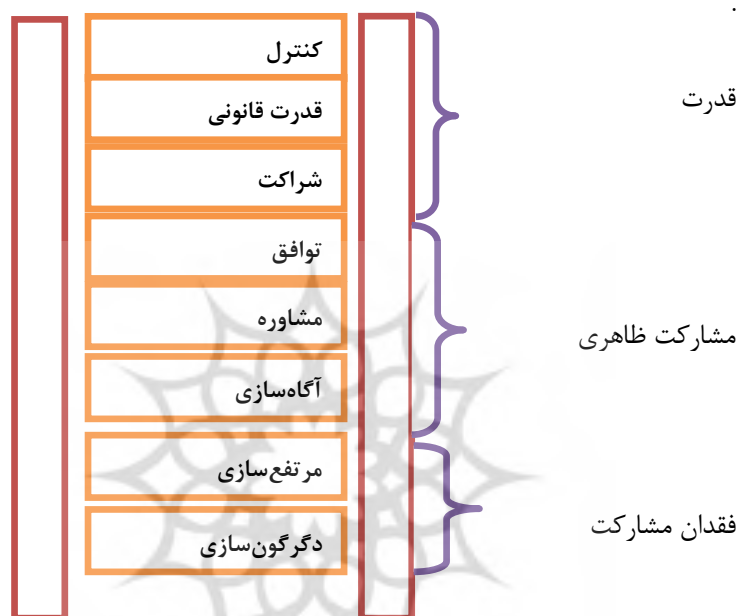
شری آرنستین^۵ (۱۹۶۹) یکی از مشهورترین تقسیم‌بندی‌های مشارکت را با عنوان «نردبان مشارکت» ارائه داده است. این نردبان، مشارکت را به سه دسته، عدم مشارکت، مشارکت ظاهری و کنترل شهروندی تقسیم می‌کند. در پله پایینی این نردبان، مردم آگاه قرار می‌گیرند، در حالی که در بالاترین پله نردبان مشارکت «کنترل شهروندی» مطرح می‌شود. در این تقسیم‌بندی درجه مشارکت میزان قدرت در تصمیم‌گیری را تغییر می‌دهد که دو پله دگرگون‌سازی و مرتفع‌سازی تحت عنوان فقدان مشارکت گروه‌بندی می‌شوند. هدف اصلی در این دو مرحله، مشارکت در تصمیم‌گیری نبوده؛ بلکه هدف، آموزش مشارکت‌کنندگان است. آگاه‌سازی، مشاوره و توافق در گروه دوم با عنوان مشارکت ظاهری و سه پله شراکت، قدرت قانونی و کنترل در دسته کنترل شهروندی قرار گرفته‌اند. در مرحله آگاه‌سازی و مشاوره، افراد شرکت‌کننده اجازه بیان نظرات و بحث و انتقاد از آن‌ها را دارند؛ اما هیچ‌گونه

و غنیان، ۱۲۱، ص. ۱۳۸۸). براساس نردبان مشارکت شری آرنستین، هشت نوع مشارکت ممکن است وجود داشته باشد یا ۸ پله مشارکت باشد. هر پله‌ای از آن میزان قدرت افراد را در تصمیم‌گیری نهایی نشان می‌دهد. پله اول نردبان مشارکت را «دگرگون‌سازی» و پله دوم را «مرتفع‌سازی» می‌نامند. این دو پله در واقع نشان‌دهنده مشارکت‌نداشتن افراد در تصمیم‌گیری است و هدف اصلی کارگزاران دولتی در این دو مرحله، مشارکت افراد در برنامه‌ریزی یا مدیریت نیست؛ بلکه هدف آن‌ها حمایت و آموزش مشارکت‌کنندگان است. پله سوم نردبان را «آگاه‌سازی» و پله چهارم را «مشاوره» می‌نامند. در این دو پله افراد مشارکت‌کننده، اجازه بحث و اظهار نظر در مورد دیدگاه‌های خود را دارند. پله ۵ نردبان مشارکت را «توافق» می‌نامند. در این پله مشارکت‌کنندگان براساس قانون موجود می‌توانند اقدام به طراحی برنامه کنند و حق تصمیم‌گیری نهایی برای تأیید برنامه‌های طراحی‌شده متعلق به کارگزاران دولتی است. پله ۶ نردبان مشارکت را «شراکت» می‌نامند که مشارکت‌کنندگان را قادر به مذاکره و دادوستد با کارگزاران دولتی می‌سازد. پله هفتم را «قدرت قانونی» و پله هشتم را «کنترل» می‌نامند. در این پله‌ها نیز مشارکت‌کنندگان موقعیت اصلی تصمیم‌گیری یا قدرت مدیریتی را به دست نمی‌آورند. براساس این نردبان، مشارکت به سه دسته تحت عنوان فقدان مشارکت، مشارکت ظاهری و قدرت تقسیم می‌شود که دو پله اول دگرگون‌سازی و مرتفع‌سازی در دسته فقدان مشارکت، سه پله آگاه‌سازی، مشاوره و توافق در دسته مشارکت ظاهری و سه پله شراکت، قدرت قانونی و کنترل در دسته قدرت قرار می‌گیرند (شکل ۱) و بخش سوم ارزیابی این مشاغل از جنبه‌های مختلف، به منظور اطمینان از روایی ظاهری و محتوایی پرسش‌نامه، برخی از مدیران سازمان‌های مختلف کشاورزی استان همدان و اعضای هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا پس از مطالعه عمیق سؤالات و گویه‌های پرسش‌نامه، نظرات اصلاحی خود را اعلام کردند که پس از مصاحبه حضوری با این افراد و بحث و بررسی در مورد دیدگاه‌های مطرح‌شده، اصلاحات ضروری انجام شد. به منظور برآورد پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. برای این منظور، تعداد ۳۰ نسخه از پرسش‌نامه توسط گروهی خارج از جامعه آماری تحقیق تکمیل شد و پس از داده‌پردازی، ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌ها و سؤال‌های اشاره‌شده محاسبه شد. میزان این ضریب که در اصل، میزان پایایی ابزار را مشخص می‌کند، در جدول (۱) به تفکیک متغیرها ارائه

قانونی در تصمیم‌گیری هستند که نمای کلی از مدل در شکل (۳) ارائه شده است.

با توجه به مدل ارائه‌شده در جدول (۲) سازه‌های به‌کارگرفته‌شده در هریک از سطوح مشارکت، تعریف و با توجه به تعریف سازه‌ها در هر پله، معرف‌های آن سطح جهت مشخص کردن گویه مشخص شده و پرسش‌نامه تعیین سطح مشارکت بر همین اساس ساخته شد

تضمینی برای در نظر گرفتن دیدگاه آن‌ها در تصمیم‌نهایی نیست. در مرحله توافق، مشارکت‌کنندگان براساس قوانین و مقررات موجود می‌توانند اقدام به طراحی برنامه کنند؛ اما هنوز حق مشارکت در تصمیم‌نهایی را ندارند. در مرحله مشارکت، افراد قادر به مذاکره و مبادله اطلاعات هستند؛ اما در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و موقعیت‌های اصلی نقشی ندارند. از این مرحله به بعد، فرد نقش فعالی در تصمیم‌گیری دارد. در مرحله قدرت قانونی، افراد دارای موقعیت روشن و قدرت



شکل ۳- نردبان مشارکت

مأخذ: شری آرستین، ۱۹۶۹ به نقل از علی بیگی و گلابی، ۱۳۹۲

جدول ۲- متغیرهای سنجش سطوح مشارکت در پله‌های نردبان مشارکت

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

معرف‌های مشارکت در هر پله	تعریف سازه‌های به‌کاررفته	سطوح مشارکت
۱- فقدان نیازسنجی ۲- توجه‌نکردن به مشکلات زنان ۳- معرفی نواوری نامناسب	عدم دخالت اعضا در برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی آن، عدم توجه به نیازها، اولویت‌ها، برنامه از پیش تعیین‌شده، جذب اعضا توسط مشوق‌های خارجی	دگرگون‌سازی
تصمیم متمرکز در حل مشکلات عدم اعتماد به توانایی و نظرات زنان روستایی در امور تصمیم‌گیری	شناسایی مشکلات بدون نظرسنجی، متمرکز بودن تصمیمات به علت عدم اعتماد به توانایی و نظرات اعضا، فرض بر این است که اعضا تخصص و توانایی لازم را ندارند. تفاوت آن با مرحله قبل در شناسایی مشکل است؛ اما توسط اعضا نیست.	مرتفع‌سازی
۱- جریان یک‌طرفه اطلاعات بین هیأت مدیره و اعضا ۲- استفاده از رسانه‌های گروهی برای کسب اطلاعات ۳- جریان اطلاعات بین اعضا	اولین گام به سمت مشروع کردن مشارکت است. اعضا از حقوق، مسئولیت‌ها و گزینه‌های انتخاب خود آگاهند؛ اما دادن اطلاعات یک‌طرفه است و کاتال بازخورد و مذاکره وجود ندارد و قدرت تأثیرگذاری بر برنامه به سمت منافع مخاطبان وجود ندارد.	آگاه‌سازی

معرفی‌های مشارکت در هر پله	تعریف سازه‌های به کاررفته	سطوح مشارکت
۱- انجام نظرسنجی از اعضا به روش‌های گوناگون ۲- برگزاری کلاس‌های آموزشی براساس نظر اعضا ۳- استفاده از صندوق جمع‌آوری نظرات اعضا	در این مرحله برای برنامه‌ریزی از اعضا نظرسنجی می‌شود و ممکن است نظرات اعضا در برنامه‌ها به کار برده شود.	مشاوره
تدوین انواع طرح‌های خدماتی و تولیدی سهیم‌بودن اعضا در امور تعاونی بیان عقاید توسط اعضا	در این مرحله خود اعضا، نظرات خود را جهت تدوین طرح ارائه می‌دهند؛ ولی هنوز تأیید نهایی با مراتب بالاتر است.	توافق
۱- عضویت در صندوق اعتبارات تعاونی ۲- حضور در محل شرکت ۳- حضور در جلسات شرکت	در این مرحله اعضا و هیأت مدیره به صورت مشترک از طریق اعمال سیاست‌ها و مکانیسم‌ها در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری دخالت دارند	شراکت
۱- انواع بیمه محصولات ۲- انعقاد انواع قرارداد ۳- حق اعتراض	در این مرحله اعضا دارای قدرت تصمیم‌گیری پایدارند و جهت سودمندی از برنامه-ها، کارت ضمانت دریافت می‌کنند و حق اعتراض نسبت به اجرای برنامه دارند	قدرت قانونی
۱- تشکیل گروه‌های خودجوش برای انجام امور گوناگون ۲- حرکت در جهت توسعه پایدار ۳- نهادینه‌شدن قوانین در بین اعضا	در این سطح مشارکت به صورت آزادانه و آگاهانه و بدون نفوذ عوامل خارجی است و مشارکت براساس خواست اعضا می‌باشد	کنترل

گام‌های نردبان مشارکت

باید توجه داشت، نردبان مشارکت شری آرنستین (۱۹۹۶) دارای هشت پله و هفت گام است که در زیر، این گام‌ها بیان می‌شود:



شکل ۴- پله‌های مشارکت

شری آرنستین، ۱۹۹۶ به نقل از زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۸

جدول ۳- متغیرهای سنجش سطوح هشت‌گانه در نردبان شری آرنستین

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

متغیرهای سنجش سطوح هشت‌گانه در نردبان شری آرنستین	سطوح هشت‌گانه
فقدان نیازسنجی، توجه‌نکردن به مشکلات زنان، معرفی نواوری‌های نامناسب برای زنان	دگرگون‌سازی
تصمیم‌گیری متمرکز در مورد مشکلات زنان، اعتمادنداشتن به توانایی زنان در امور مربوط به خود	مرئفع‌سازی
جریان یک‌طرفه اطلاعات بین مروج و زنان روستایی، استفاده از رسانه‌های گروهی برای کسب اطلاعات ترویجی	آگاه‌سازی
انجام نظرسنجی از زنان به روش‌های متفاوت استفاده از زنان رابط (تسهیل‌گران) در زمینه مشاغل خانگی	مشاوره
تدوین انواع طرح‌های خدماتی- تولیدی	توافق
عضویت در انجمن عضویت در مشاغل خانگی عضویت در صندوق اعتبارات خرد روستایی	شراکت
انعقاد قرارداد با جهاد کشاورزی انعقاد قرارداد با شرکت‌های مشاوره کشاورزی	قدرت قانونی
تشکیل گروه‌های خودجوش زنان برای انجام امور مختلف	کنترل

باشند که در انجام امور مشارکتی، هزینه‌های چندانی پرداخت نمی‌کنند. لیو^{۱۱} (۲۰۰۱)، پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد را عامل اصلی تبیین تفاوت میزان مشارکت افراد می‌داند و سوان سون^{۱۲} (۲۰۰۱)، خاطرنشان می‌کند که اگر برنامه‌های توسعه نتایجی چون کاهش زحمات و بهبود وضع مادی و دارا بودن منافع عملی برای مخاطبان خود داشته باشد، با مشارکت بیش‌تر آن‌ها همراه خواهد شد. ریچارد و ویلیام (۲۰۰۹)، معتقد است که در مناطق روستایی عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی نقش مهم‌تری در تبیین مشارکت نیروی کار زنان دارد. علاوه بر عامل اقتصادی، عده‌ای از دانشمندان عوامل اجتماعی را از جمله عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه ذکر کرده‌اند. بر گستروم^{۱۳} (۲۰۰۶) معتقد است که سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی مشارکت سیاسی را امکان‌پذیر می‌کند. سرمایه فیزیکی، تمام امکانات مادی افراد مانند درآمد، سرمایه، وسایل ارتباط جمعی و غیره را شامل می‌شود که سبب تسهیل در مشارکت می‌شود. سرمایه انسانی؛ مانند تحصیلات، دانش و مهارت و توانایی‌هایی است که افراد در تعامل با یک‌دیگر ارائه می‌کنند. سرمایه اجتماعی منبعی است که باعث مشارکت می‌شود و درون شبکه‌های اجتماعی معنی پیدا کرده و در روابط میان افراد پدیدار می‌شود. هم‌چنین، اورت راجرز، مهم‌ترین عنصر در مشارکت فرد در فعالیت‌های جمعی را میزان آگاهی افراد جامعه می‌داند و رابرت دال نیز معتقد است که افراد در صورتی در برنامه‌های سیاسی، اجتماعی مشارکت می‌کنند که

در مورد عوامل مؤثر بر مشارکت نیز دانشمندان گوناگون اظهار نظرهای متفاوتی ارائه کرده‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توان این عوامل را به صورت زیر مشخص کرد:

ریچارد و ویلیام^۶ (۲۰۰۹)، معتقدند در مناطق روستایی عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی نقش مهم‌تری در تبیین مشارکت نیروی کار زنان دارد. عده‌ای از دانشمندان عوامل اقتصادی را از جمله عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه ذکر کرده‌اند؛ از جمله دیوید مک کله لند^۷ (۱۹۷۱) در بحث عوامل مؤثر بر مشارکت با در نظر گرفتن انگیزه پیشرفت عوامل اقتصادی، از جمله عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت می‌داند که خود در نهایت، منجر به مشارکت بیش‌تر افراد در فعالیت‌های جمعی و مشارکتی می‌شود. کروکسن^۸ (۱۹۹۹)، به‌کارگیری روش‌های گوناگون تولید و انتقال تکنولوژی را تنها کلید مشارکت نمی‌داند؛ بلکه نگرش آن‌ها به موضوع را بااهمیت می‌داند. از عوامل مؤثر بر مشارکت نیروی کار زنان تحصیلات، وضعیت اقتصادی، وضعیت تأهل و تعداد فرزندان است و معتقد است، هرچه سطح تحصیلات زنان افزایش یابد، امکان دستیابی آن‌ها به مشاغل صنعتی و خدماتی افزایش می‌یابد. بنابراین، رابطه مثبتی بین تحصیلات و نرخ مشارکت زنان در بازار کار وجود دارد (پینکوارت^۹ و دیگران، ۲۰۰۷).

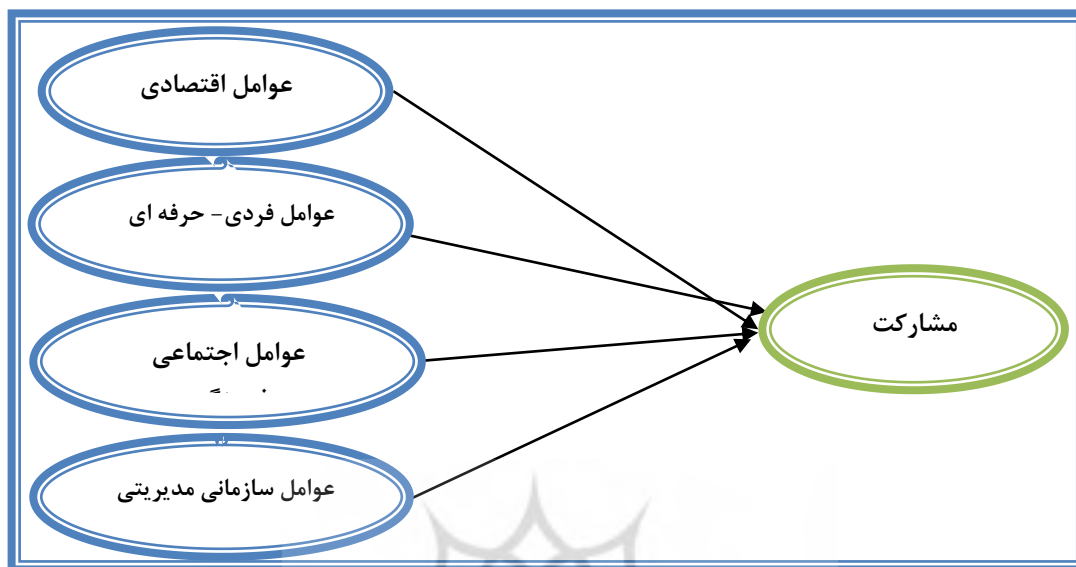
رابرت دال^{۱۰} (۱۹۱۵)، معتقد است افراد در صورتی در فرآیندهای سیاسی اجتماعی مشارکت می‌کنند که برای پاداش و مزایای حاصل از آن ارزش قائل باشند و اطمینان داشته

(روچر ۲۰، ۱۹۹۸). هلی ۲۱ (۱۹۹۷) مشارکت اجتماعی افراد را در دسته‌های: (۱) ویژگی‌های فردی؛ مانند پایگاه اجتماعی اقتصادی فرد در جامعه (۲) سطح تحصیلات (۳) گروه سنی (۴) جنسیت (۵) زمینه خانوادگی، شامل محل اقامت، میزان مشکلات والدین، وضعیت تأهل و محیط اجتماعی شدن تقسیم می‌کند. عوامل مؤثر بر مشارکت در کارهای داوطلبانه را در پنج دسته طبقه‌بندی شده است: (۱) ویژگی‌های فردی: سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و تعداد فرزندان (۲) پایگاه اجتماعی و اقتصادی: سطح درآمد، طبقه اجتماعی، وجهه شغلی، مالکیت (۳) عوامل اجتماعی فیزیکی: جنسیت، قومیت، سلامت فیزیکی و توانایی فردی، (۴) نوع نگرش افراد به مشارکت: داشتن تعهد اجتماعی، روحیه مشارکتی، تشویق نزدیکان (۵) ظرفیت افراد برای مشارکت: ریسک‌پذیری، ایثار، اعتماد به نفس، رضایت شغلی (ردی، فردونیا و اسمیت، ۱۹۷۳، ص. ۲۰). شریف‌زاده و خواجه شاهرکوهی (۱۳۹۳) جنسیت، منطقه سکونت، سن، تحصیلات، درآمد، نژاد، قومیت و دین را مؤثر بر میزان مشارکت می‌داند و از منافع شخصی، نیازهای روان‌شناختی و اهداف شخصی به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت نام می‌برد. مارتین لیپست (۱۹۹۸) و دانیال لرنر (۱۹۵۸) سه فرآیند شهرنشینی، سواد و مشارکت رسانه‌ای را از جمله عوامل مؤثر بر مشارکت افراد در برنامه‌های توسعه می‌داند. ساموئل هانتینگتون (۱۹۹۶)، منزلت اجتماعی بالاتر، پویایی و احساس گروهی را زمینه شکل‌گیری مشارکت سیاسی، اجتماعی مؤثر می‌داند. برتون ۲۲ (۱۹۹۷) ویژگی‌های شخصی و فرصت‌های ساختاری را دو عامل ارزشمند و مؤثر بر مشارکت اجتماعی افراد می‌داند و معتقد است مقداری از مشارکت به وسیله عواملی چون سواد، طبقه اجتماعی فرد، علایق مذهبی و انگیزه‌های شخصی تبیین می‌شود و با توجه به تفاوت افراد در گروه‌های گوناگون، فرصت مشارکت نیز متفاوت است. صفری شالی (۱۳۸۷)، در تحقیقی با عنوان «عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی»، نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان از جمله متغیرهای کلیدی است که می‌تواند بر میزان مشارکت آن‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. به طور خلاصه، می‌توان براساس مطالعات صورت‌گرفته در زمینه مشارکت عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در کسب‌وکارهای خانگی را در چهار گروه، اقتصادی، اجتماعی، ویژگی‌های فردی و شخصیتی و عوامل نهادی و مدیریتی طبقه‌بندی کرد، با توجه به بررسی منابع

شناخت و آگاهی کافی از امور اجتماعی داشته باشند. میرترابی، حجازی و حسینی (۱۳۸۹) از جمله عوامل مؤثر بر مشارکت را توسعه ارتباطات جمعی می‌داند؛ به طوری که از نظرات این اشخاص نیز مشخص است، عوامل اجتماعی، منزلت اجتماعی، احساس گروهی افراد، محیط اجتماعی فرهنگی، میزان آگاهی افراد، سواد، مشارکت رسانه‌ای و توسعه ارتباطات جمعی از جمله عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه می‌باشند. از آن‌جا که برنامه‌های توسعه در یک محیط اجتماعی قابلیت اجرایی پیدا می‌کند، باید به عنوان یک عامل مهم در مشارکت افراد در برنامه‌های توسعه ذکر شود (ازاهری ۱۴، ۲۰۰۸، ص. ۷). در بحث عوامل مؤثر بر مشارکت عوامل فردی را از جمله عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت می‌داند که خود در نهایت منجر به مشارکت بیشتر افراد در برنامه‌های مشارکتی می‌شود. هم‌چنین، مارتین لیپست ۱۵ (۱۹۹۸)، در بیان عوامل مؤثر بر مشارکت در برنامه‌های توسعه، از جمله ویژگی‌های افرادی را که به مشارکت بیشتر پرداخته‌اند، متأهل بودن، دارای تحصیلات بالا بودن و افراد میان‌سال جامعه می‌داند. ساموئل هانتینگتون ۱۶ (۱۹۹۶) و لرنر ۱۷ (۱۹۵۸) نیز در بررسی و تبیین ویژگی‌های افرادی که مشارکت بیشتری داشته‌اند، متغیرهایی مانند سواد را در میزان مشارکت افراد مؤثر می‌داند. راجرز و شومیکر ۱۸ (۲۰۰۱) از جمله عوامل مؤثر بر گرایش مردم را در برنامه‌های توسعه، مزیت نسبی نوآوری پیشنهاد شده در این برنامه‌ها می‌داند که ممکن است در بحث افزایش درآمدها و یا کاهش هزینه‌های تولید، خود را نشان دهد. میسرا نیز تأکید دارد که هرچه منافع و مزایای برنامه‌ای که مردم در آن مشارکت می‌کنند، بیش‌تر باشد، میزان مشارکت آن‌ها افزایش خواهد یافت. همان‌طور که از نظرات این افراد برمی‌آید، عوامل اقتصادی نظیر پاداش و مزایا، کاهش هزینه‌ها، کاهش زحمات، بهبود وضعیت مادی، دارا بودن منافع عملی، ایجاد نوآوری با مزیت نسبی و افزایش درآمد می‌توانند از جمله عوامل مهم و مؤثر برای مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه روستایی باشند؛ به طوری که می‌توان عامل اقتصادی و توجه به منافع و مزایای حاصل از آن برای مخاطبان و به‌خصوص ایجاد رفاه اقتصادی را به عنوان یک عامل مؤثر بر مشارکت افراد در برنامه‌های توسعه مهم شمرد و در طراح‌ی و تدوین این برنامه‌ها به آن‌ها توجه کرد تا بتوان مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه را تا حد زیادی تقویت کرد. براساس نظریه پارسنز ۱۹ افراد مشارکت‌جو دارای ویژگی‌هایی چون عام‌گرایی، فعال‌گرایی، خردگرایی و امیدوار به آینده‌اند

گرفت. با توجه به مبانی نظری مدل مفهومی پژوهش در شکل (۴) ارائه می‌شود

صورت‌گرفته، جهت بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در کسب‌وکارهای خانگی روستایی، برای هر عامل، چند سازه مشخص شد و هر سازه به وسیله چند گویه مورد بررسی قرار



شکل ۵- مدل مفهومی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

کسب‌وکارهای کوچکی است که وابستگی فزاینده‌ای به نظام تولید محلی و بهره‌برداری از مواد خام محلی دارند (آنتوپولو، ۲۰۱۰، ص. ۳۹). نتایج پژوهش احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰)، نشان داد که رابطه معناداری بین متغیرهای سن و سطح تحصیلات با مشارکت اجتماعی زنان وجود دارد. لهسایی‌زاده، جهانگیری و خواجه نوری (۱۳۸۴)، در پژوهش خود بیان کردند که با افزایش سطح دانش زنان، گرایش به فعالیت و نرخ مشارکت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها افزایش می‌یابد. پینکوارت و دیگران (۲۰۰۷) معتقد است، می‌تواند انگیزه‌های زنان روستایی برای شرکت در کسب‌وکارها را به چهار مؤلفه عوامل جمعیت‌شناختی (سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل و مانند آن)، عوامل اقتصادی (درآمد زن روستایی، افزایش تولید و مانند آن)، عوامل اجتماعی (نگرش نسبت به آموزش‌گر، موقعیت اجتماعی، برقراری ارتباط و مانند آن)، عوامل فرهنگی (داشتن نقشی فعال در جامعه، ایجاد فرصت‌هایی برای صحبت آزادانه با زنان دیگر و مانند آن) تقسیم کرد. مطالعات متعددی در گذشته بر نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی، فردی^۳ حرفه‌ای و نهادی- مدیریتی بر میزان مشارکت افراد مورد مطالعه تأکید کرده‌اند؛ از جمله زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ موحد، عنایت و پورنعمت،

زنان در اقتصاد روستایی ایران نقش محوری و کلیدی بر عهده دارند. آن‌ها به عنوان عناصر نامرئی، بخشی عظیم از نیروی انسانی شاغل در اقتصاد را تشکیل می‌دهند. ادریسا،^۳ سولامب و محمد (۲۰۰۷)، در «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر مشارکت زنان در مشاغل کشاورزی» به این نتیجه دست یافتند که انگیزه اصلی شرکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی کسب درآمد بوده است. هم‌چنین، بین سن، تحصیلات و شغل اصلی زنان و میزان مشارکت آن‌ها تفاوت معناداری دیده شده است. نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸) در مطالعه خود با عنوان مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، رابطه معناداری بین سن با مشارکت اجتماعی را اثبات کردند. حسینی‌نیا و ملک‌محمدی (۱۳۸۲)، نشان دادند که ویژگی‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی از عوامل مؤثر بر مشارکت افراد در فعالیت‌ها به حساب می‌آید. مطالعات محدودی درباره کسب‌وکارهای خانگی انجام شده است. انتظاریان و طهماسبی (۱۳۸۹) موانع مدیریتی را در راه‌اندازی، توسعه و مشارکت در مشاغل خانگی اثرگذار دانسته‌اند. ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی نیز می‌تواند فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی را به تأخیر اندازد. ویژگی اصلی نواحی روستایی، ازدیاد

۴. یافته‌های تحقیق

نتایج توزیع فراوانی زنان مورد مطالعه گویای آن است که بیش‌تر زنان در محدوده سنی ۲۰ تا ۳۵ سال قرار دارند که گویای جوان بودن جامعه مورد مطالعه است. میانگین سن زنان ۳۶ سال است که بیش‌تر زنان شرکت‌کننده دارای سن ۲۹ سال هستند. کم‌ترین سن زنان دارای مشاغل خانگی ۲۵ سال و بیش‌ترین آن‌ها ۶۸ سال است. در مقابل، تنها ۲۳ درصد جامعه مورد مطالعه، سوادی در حد لیسانس و بالاتر دارند که این به خودی خود براساس نظر غنیان، خانی و قدیری معصوم (۱۳۸۷)، یکی از موانع مشارکت زنان است؛ به طوری که ۵۲ درصد زنان، سوادی در حد خواندن و نوشتن دارند و یا بی‌سواد هستند و این به عنوان یکی از موانع مشارکت زنان است. میزان وام دریافتی آن‌ها بیش‌تر در محدوده ۱ تا ۵ میلیون است و بیش‌ترین سابقه فعالیت زنان بین ۱ تا ۵ سال است (جدول ۴).

۱۳۸۷؛ خانی و احمدی، ۱۳۸۸؛ قوی بازو، ۲۰۰۴ و ساریخانی و طه، ۱۳۸۲ معتقدند که بین عوامل شخصی هم‌چون سن، سواد، میزان درآمد و مشارکت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در مقابل، ردی^{۲۴} و همکاران، ۱۹۷۳؛ بووینچی^{۲۵}، ۱۹۹۰؛ بنکس^{۲۶}، ۲۰۰۰ و طاهرخانی و قرنی، ۱۳۸۴ معتقدند که عوامل اجتماعی از جمله پایگاه اجتماعی، و اقتصادی در افزایش مشارکت نقش دارند.

شیور و اسکات^{۲۷}، ۱۹۹۱؛ آمودیو^{۲۸}، ۲۰۰۱ و گونین^{۲۹}، ۲۰۰۳ نیز معتقدند که بین عوامل نهادی و مدیریتی و میزان مشارکت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

هدف کلی این مقاله ارزیابی و ترسیم مشارکت زنان در کسب‌وکارهای خانگی براساس نردبان مشارکت شری آرنستین است.

جدول ۴- ویژگی‌های فردی زنان مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

ردیف	نام متغیر	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
۱	سن	۲۰-۳۵ سال	۴۲/۸۵	۴۲/۸۵
		۳۶-۴۵ سال	۲۲/۶۱	۶۵/۴۶
		۴۵-۶۰ سال	۳۴/۵۲	۱۰۰
۲	سواد	بی سواد	۲۴/۴۰	۲۴/۴۰
		خواندن و نوشتن	۲۸/۵۷	۵۲/۹۷
		دیپلم	۸/۳۳	۶۱/۳
		فوق دیپلم	۱۴/۸۸	۷۶/۱۸
۳	سابقه فعالیت	لیسانس و بالاتر	۲۳/۸	۱۰۰
		۱-۵ سال	۳۱/۸۹	۳۱/۸۹
		۱۰-۱۵ سال	۱۷/۸۳	۴۹/۷۲
۵	میزان درآمد	۱۶-۲۰ سال	۲۰/۵۴	۷۰/۳۶
		بالاتر از ۲۰ سال	۲۹/۷۲	۱۰۰
		۱-۵ میلیون	۴۶/۴۲	۴۶/۴۲
		۶-۲۰ میلیون	۳۱/۵۴	۷۷/۹۶
		۲۱-۳۰ میلیون	۱۳/۰۹	۹۱/۰۵
		بالاتر از ۳۰ میلیون	۸/۹۲	۱۰۰

توسعه روستایی و ترویج و آموزش کشاورزی و جامعه‌شناسی روستایی قرار گرفت. نتایج گویای آن است که در بین زنان، تراکنش شاخص‌ها به صورت زیر است (جدول ۵).

جهت ارزیابی مشاغل خانگی روستایی از جنبه‌های مختلف براساس مبانی نظری، ده شاخص انتخاب شد که به تأیید صاحب‌نظران و اعضای هیأت علمی دانشگاه در گروه‌های

جدول ۵- ارزیابی مشاغل خانگی روستایی از جنبه‌های جامعه‌شناختی در بین زنان در کسب‌وکارهای خانگی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

انحراف معیار	میانگین از ۵	گویه
۰/۸۹	۴/۸۷	تا چه حد سطح دانش شما در خصوص کسب‌وکار خانگی بهبود یافته است؟
۰/۹۱	۴/۷۵	تا چه حد روحیه خودباوری شما و اعضای خانواده بهبود یافته است؟
۰/۹۵	۴/۴۸	تا چه حد سطح مهارت اجتماعی از جمله عمل‌گرایی اجتماعی و مشارکت اجتماعی شما بالا رفته؟
۰/۹۴	۴/۲۱	تا چه حد انگیزه شما برای گسترش کسب‌وکارتان بهبود یافته است؟
۰/۹۵	۴/۱۹	تا چه حد کسب‌وکار خانگی موجب افزایش قدرت خرید شما شده است؟
۰/۹۵	۴/۱۲	کسب‌وکار شما تا چه حد موجب بهبود وضعیت فرهنگی (مطالعه کتاب و غیره) شده است؟
۱/۰۲	۴/۰۸	تا چه حد سطح مهارت فنی و بازاریابی و انتخاب بازارهای هدف شما ارتقا یافته است؟
۰/۹۹	۴/۰۳	کسب‌وکار خانگی شما تا چه حد موجب کاهش فقر خانوادگی در صورت وجود شده است؟
۱/۰۳	۳/۸۷	کسب‌وکار خانگی تا چه حد موجب جلوگیری از مهاجرت اعضای خانواده شما شده است؟
۱/۰۲	۳/۶۷	کسب‌وکار خانگی تا چه حد موجب بهبود استانداردهای زندگی شما شده است؟
۱/۰۲	۳/۵۴	کسب‌وکار خانگی تا چه حد موجب ارتقا و ارتباط شما با سازمان‌های مختلف شده است؟
۱/۱۲	۳/۴۱	کسب‌وکار خانگی تا چه حد موجب توسعه مهارت‌های مدیریتی شما شده است؟

یک از پله‌ها - مجموع مشارکت هر فرد در هر پله/ تعداد نمونه زنان روستایی، بعد از به‌دست آوردن مشارکت کل در هر یک از پله‌ها به اولویت‌بندی میانگین مشارکت در هر پله پرداختیم. سپس، برای به‌دست آوردن میزان مشارکت در تمامی پله‌ها (بدون تفکیک مشارکت براساس پله‌ها) مشارکت هر فرد در هر پله را با هم جمع و بر هشت پله تقسیم کردیم که فرمول آن به صورت زیر است:

مشارکت هر فرد در تمامی پله - مجموع مشارکت هر فرد در هر پله/ هشت (زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۸). نتایج فرمول در بین زنان فعال، گویای آن است که نمره مشارکت زنان در پله شراکت، کنترل و مشاوره در بالاترین قسمت قرار گرفته‌اند، در حالی که آگاه‌سازی و مرتفع‌سازی در پله‌های پایین قرار دارند.

همان‌طور که از جدول (۵) استنباط می‌شود، نتایج گویای آن است که زنانی که دارای کسب‌وکار بوده‌اند، نظرشان این بود که راه‌اندازی این نوع از مشاغل باعث بالارفتن سطح دانش، قدرت خودباوری و افزایش مهارت‌های اجتماعی از جمله عمل‌گرایی اجتماعی و مشارکت در بافت اجتماع شده است، درحالی که وجود این نوع از کسب‌وکارها تأثیر کم‌تری در افزایش شاخص‌هایی از جمله ارتباط با سازمان‌های مختلف و مهارت‌های مدیریتی داشته است. فرمول محاسبه میزان مشارکت براساس نردبان مشارکت شری آرنستین به صورت زیر است: مشارکت هر فرد در هر پله - مجموع امتیاز سؤال‌های هر پله/ تعداد سؤال‌های مربوط به هر پله. مشارکت افراد در هر

جدول ۶- اولویت‌بندی پله‌های مشارکت براساس نردبان شری آرنستین در بین زنان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

اولویت	میانگین	پله‌های مشارکت
۱	۴/۸۷	مرتفع‌سازی
۲	۴/۲۸	دگرگونی‌سازی
۳	۴/۰۹	آگاه‌سازی
۴	۳/۶	قدرت قانونی
۵	۳/۴۲	توافق
۶	۲/۹۴	مشاوره
۷	۲/۵۴	کنترل
۸	۲/۲۷	شراکت

در جدول (۷) ارزیابی عوامل مدل پژوهش، گویای آن است که در بین زنان مورد مطالعه، وجود کسب‌وکارهای خانگی در توسعه مؤلفه اقتصادی و مدیریتی سازمانی تأثیر بیش‌تری داشته است. در حالی که همین کسب‌وکارها نتوانسته‌اند مؤلفه اجتماعی فرهنگی را گسترش دهند.

میانگین مشارکت زنان روستایی در هریک از هشت پلّه نردبان مشارکت نشان می‌دهد که اولویت اول، مربوط به پلّه مرتفع‌سازی، آگاه‌سازی و دگرگون‌سازی است و پلّه آخر به کنترل و شراکت تعلق دارد.

جدول ۷- شاخص‌های ارزیابی تأثیر مشاغل خانگی بر مؤلفه‌های پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

متغیر	میانگین	انحراف معیار
عوامل اقتصادی	۴/۱۲	۰/۹۷
مدیریتی سازمانی	۳/۵۷	۰/۹۸
فردی حرفه‌ای	۳/۱۵	۱/۰۹
اجتماعی فرهنگی	۳/۰۳	۱/۰۸

معنی‌داری در حد ۰/۰۱ و ۰/۰۵ وجود دارد؛ به طوری که هرچه این متغیرها در بین زنان شکوفاتر شود، تمایل آن‌ها برای شرکت در فعالیت‌های اقتصادی و مشاغل خانگی بیش‌تر می‌شود (جدول ۸).

با به‌کارگیری آزمون هم‌بستگی رابطه بین متغیرها و مؤلفه‌های دموگرافیکی زنان، میزان مشارکت زنان مورد سنجش قرار گرفت. نتایج گویای آن است که بین مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی، فردی- حرفه‌ای، مدیریتی- سازمانی و میزان وام دریافتی، سن و درآمد زنان با مشارکت، رابطه مثبت

جدول ۸- هم‌بستگی میان متغیرها و مؤلفه‌های دموگرافیکی با مشارکت زنان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

متغیر	R	sig
اجتماعی فرهنگی	۰/۳۲۱	**۰/۰۰۲
فردی- حرفه‌ای	۰/۴۸۱	*۰/۰۲۱
مدیریتی- سازمانی	۰/۲۱۴	**۰/۰۰۴
عوامل اقتصادی	۰/۳۴۰	۰/۰۰۹
میزان وام دریافتی	۰/۲۵۴	*۰/۰۱۴
سن	۰/۱۰۳	۰/۰۸۷
درآمد	۰/۴۲۷	*۰/۰۱۱
سواد	۰/۳۰۲	**۰/۰۰۶

*معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ درصد

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ درصد

بهتر شدن شرایط زندگیشان کمک کرده است. در مقابل، رابطه میزان وام و درآمد معنادار شده است؛ ولی رابطه سن با مشارکت معنادار نشده است.

به منظور پی‌بردن به روابط علی میان مشارکت زنان روستایی به‌عنوان متغیر وابسته و سایر متغیرها به‌عنوان متغیرهای مستقل از روش مدل‌سازی معادله ساختاری با کاربرد نرم‌افزار AMOS بهره گرفته شد. مدل مورد بررسی،

نتایج گویای آن است که رابطه بین برخی متغیرها از جمله متغیرهای اجتماعی فرهنگی، فردی حرفه‌ای و مدیریتی و سازمانی با میزان مشارکت زنان روستایی، رابطه مثبت و معناداری دارد؛ به طوری که با بالا رفتن و گسترش هر کدام از این مؤلفه‌ها بستر افزایش مشارکت زنان شکوفاتر می‌شود و رابطه مؤلفه اقتصادی با مشارکت معنادار شده است که این خود گویای آن است که مشاغل خانگی از جنبه اقتصادی به

یک مدل مسیر بوده و مدل‌های مسیر یکی از انواع مدل‌هایی هستند که می‌توان در تبیین و پیش‌بینی پدیده‌های مختلف از آن‌ها بهره برد. در ابتدا، هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش، در

جدول (۹) ارائه شده است. یافته‌های حاصل از هم‌بستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین هر یک از متغیرهای مستقل و مشارکت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۹- ضرایب هم‌بستگی بین متغیرهای مستقل و مشارکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

مشارکت	اقتصادی	مدیریتی	فردی- حرفه‌ای	اجتماعی فرهنگی	متغیر
				۱	اجتماعی فرهنگی
			۱	۰/۴۳**	فردی- حرفه‌ای
		۱	۰/۳۴**	۰/۲۹*	مدیریتی- سازمانی
	۱	۰/۴۷**	۰/۴۷**	۰/۵۱**	عوامل اقتصادی
۱	۰/۳۵**	۰/۲۸**	۰/۶۲**	۰/۲۹**	مشارکت

ساختاری (SEM) (structural Equation Modeling) توسط نرم‌افزار Amos برآورد شد. نتایج برآورد مدل اندازه-گیری در جدول (۱۰) آورده شده است. با توجه به معیارهای پیشنهادشده در جدول مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای به‌کاررفته در پژوهش، مدل مناسبی برای تبیین تأثیر متغیرهای مستقل بر مشارکت زنان روستایی است.

ارتباط بین همه متغیرها در سطح احتمال ۰/۰۱ مثبت و معنی‌دار است. مشاوره و شراکت هم در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار شده است. مدل معادلات ساختاری دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری را در بین متغیرهای مدل پژوهش مورد بررسی قرار می‌دهد. در مدل اندازه‌گیری، هماهنگی درونی مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد که نتایج آن در دو بخش برازش مدل یا میزان انطباق و ضریب هم‌بستگی بین متغیرها ذکر شده است. روابط علی بین متغیرهای مدل پژوهش در قالب مدل معادلات

جدول ۱۰- شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش

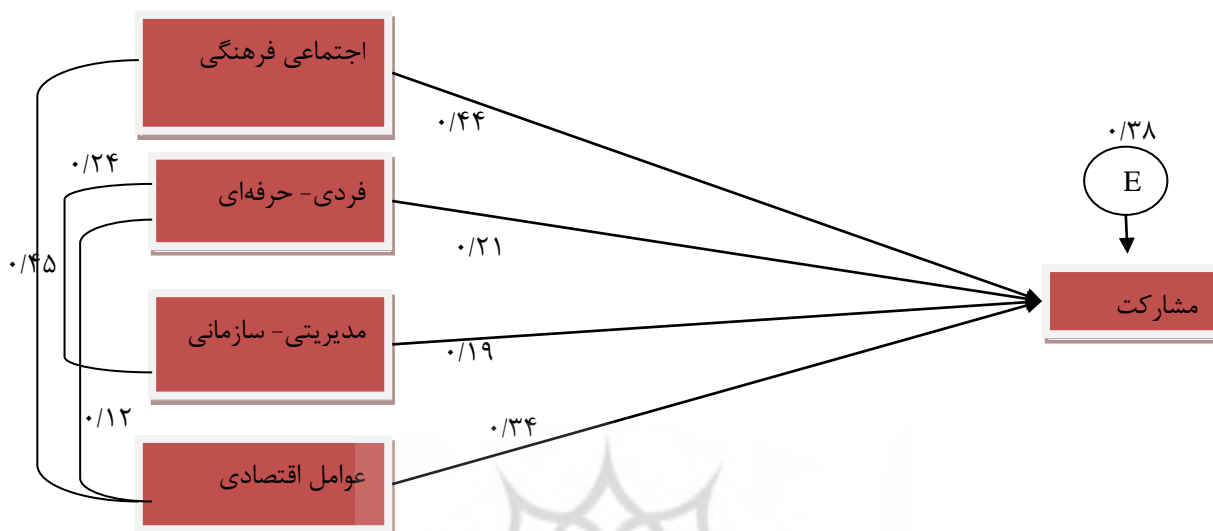
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

مقدار گزارش شده	معیار مطلوب*	شاخص برازش
χ^2/df ۳/۵	۳	
$P=0/000$	۰/۹۰	NFI شاخص برازش هنجار شده
۰/۹۶	۰/۹۰	CFI شاخص برازش مقایسه‌ای
۰/۹۶	۰/۹۰	IFI شاخص برازش افزایشی
۰/۹۷	۰/۹۰	RMSEA ریشه میانگین مربعات خطای برآورد
۰/۰۳	< ۰/۰۵	

معنادار با متغیر مشارکت زنان است (۰/۴۴). در این میان، متغیرهای فردی حرفه‌ای دارای اثر (۰/۲۱) و عوامل اقتصادی کم‌ترین اثر (۰/۱۴) بر متغیر وابسته مشارکت هستند؛ علاوه بر این، بررسی دیگر رابطه‌ها گویای آن است، که دو متغیر عوامل اقتصادی و اجتماعی فرهنگی با مقدار ۰/۴۵، بیش‌ترین کوواریانس را به خود اختصاص داده‌اند. این مطلب نمایان‌گر آن است که بین قدرت اقتصادی یک فرد و توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر اثرات مستقیم، نتایج گویای آن هستند که متغیر اجتماعی فرهنگی و عوامل اقتصادی به طور مستقیم بر میزان

دومین مرحله در برآورد مدل، پس از آزمون نتایج برازش مدل یا برآورد مدل اندازه‌گیری، برآورد مدل ساختاری یا آزمون معنی‌داری ضرایب مسیر فرض شده در مدل پژوهش و واریانس تشریح شده یا ضریب تعیینی است که به وسیله هر مسیر برآورد می‌شد. نتایج تحلیل نظرات زنان روستایی نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای بیرونی مؤلفه-های اجتماعی فرهنگی، فردی حرفه‌ای، مدیریتی سازمانی و اقتصادی با مشارکت زنان در کسب و کارهای خانگی وجود دارد (شکل ۵). بررسی اثرات متغیرهای مستقل نمایان‌گر آن است که مؤلفه اجتماعی فرهنگی دارای بیش‌ترین اثر مثبت و

مشارکت ظاهری اثر دارد؛ ولی بیش‌تر اثر غیرمستقیم به مؤلفه مدیریتی سازمانی متعلق است که ۰/۴۱ درصد از تغییرات مؤلفه قدرت را تبیین می‌کند؛ به طوری که در کل، ۷۶ درصد از تغییرات متغیر مشارکت را متغیرهای موجود در مدل تبیین می‌کند.



Chi-square=2/41, df= 2, NFI=.96, CFI=.96, IFI=.97, RMSEA=.03

شکل ۶- بررسی رابطه متغیرهای مستقل مدل با مشارکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

جدول (۱۱) نتایج آزمون فریدمن را به منظور رتبه‌بندی وضعیت موجود مؤلفه‌های مشارکت شری در زنان نشان می‌دهد. با توجه به یافته‌های جدول، آزمون در سطح یک درصد خطا، معنی‌دار است که بیان می‌کند بین میانگین رتبه‌های مؤلفه‌ها با یکدیگر در وضعیت موجود، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این اختلاف معنی‌دار به لحاظ آماری قابل بررسی و اتکا است.

نتایج این مدل گویای آن است که متغیرهای مستقل می‌تواند در افزایش انواع مشارکت‌ها در سطح روستا کمک کند و در صورتی که به‌درستی و با برنامه‌ریزی منطبق بر نیازهای واقعی جامعه هدف، کمک‌های شایان ذکری در افزایش مشارکت انجام دهد.

تحلیل وضعیت پاسخ‌گویان از نظر سطح مشارکت - آزمون تحلیل واریانس فریدمن

جدول ۱۱- نتایج آزمون فریدمن جهت بررسی تفاوت میانگین رتبه‌های سطوح مشارکت

مأخذ: یافته‌های تپژوهش، ۱۳۹۳

ردیف	سطوح مشارکت زنان روستایی	میانگین رتبه‌ای	مقدار کی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۱	مرنفع‌سازی	۳/۶۵	۳۴۱/۵۷۷	۸	۰/۰۰۱
۲	آگاه‌سازی	۳/۵۱			
۳	دگرگون‌سازی	۳/۴۲			
۴	قدرت قانونی	۳/۲۱			
۵	توافق	۳/۰۸			
۶	شراکت	۲/۸۱			
۷	کنترل	۲/۴۷			
۸	مشاوره	۲/۲۸			

بر این اساس، می‌توان رتبه‌بندی‌های پاسخ‌گویان را به این شکل بیان کرد که مؤلفه‌های مرتفع‌سازی، آگاه‌سازی و دگرگون‌سازی نسبت به سایر مؤلفه‌ها در بین زنان روستایی وضعیت بهتری دارند، در حالی که دیگر مؤلفه‌های مشارکت در بین زنان روستایی در آستانه خطر و رو به افول قرار دارد و زنان از این ناحیه می‌توانند آسیب‌پذیر باشند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌ها، اولویت‌بندی میزان مشارکت زنان روستایی در هریک از پله‌های نردبان مشارکت نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی کنونی، بدون توجه به نیازهای واقعی زنان روستایی و به صورت متمرکز و از بالا به پایین صورت می‌گیرد. اولین اولویت مربوط به پله مرتفع‌سازی است. باید توجه داشت که مرتفع‌سازی، آگاه‌سازی و دگرگون‌سازی که به ترتیب، اولویت اول، دوم و سوم را در مشارکت زنان به خود اختصاص داده‌اند، بر اساس نردبان شری آرنستین در دسته مشارکت‌نداشتن، قرار دارند. در واقع، در این سطوح از مشارکت، زنان روستایی نقش منفعل دارند. چهارمین اولویت مربوط به پله قدرت قانونی است که نشان‌دهنده مشارکت بالای زنان روستایی در این پله و به دلیل نیاز مبرم زنان روستایی به حمایت‌های مالی، ناشی از این نوع مشارکت است. از سوی دیگر، مشارکت در این پله برای آن‌ها، نتایجی زودبازده و محسوس را به همراه دارد. پنجمین اولویت، مربوط به پله توافق بود که مشارکت کم‌رنگ زنان روستایی در این پله، علاوه بر بی‌سوادی زنان، به علت فرهنگ حاکم بر روستا نیز هست. مطابق این فرهنگ، مردان رئیس خانواده هستند و در فعالیت‌های اجتماعی به عنوان نماینده خانواده حضور می‌یابند در این صورت، زنان اجازه حضور در این نوع فعالیت‌ها را نمی‌یابند. از سوی دیگر، زنان روستایی به عنوان نیروی اجتماعی شاغل، شخصیتی مستقل ندارند که این امر نه تنها ناشی از نگرش‌های سنتی دیرپا است؛ بلکه در نبودن خوداتکایی و خودباوری زنان ریشه دارد. ششمین اولویت، مربوط به پله شراکت بود. با توجه به مشارکت کم‌رنگ زنان در پله شراکت، باید در زمینه ایجاد تشکّل‌ها و نهادهای مربوط به امور زنان فعالیت‌های بیش‌تری انجام شود. در این راستا، تشکیل تعاونی‌های روستایی زنان، موجب ایجاد پایگاهی برای زنان می‌شود که از طریق آن می‌توانند مسؤولان را از نیازها و مشکلات خود آگاه کنند. هفتمین اولویت مربوط به پله کنترل است. نکته قابل توجه این است که علی‌رغم این‌که زنان

روستایی کم‌تر در سطوح پایین‌تر نردبان مشارکت داشته‌اند؛ اما در پله کنترل مشارکت بیش‌تری داشته‌اند. این مسأله نشان‌دهنده فرهنگ دیرینه مشارکت و تعاون در میان زنان روستایی برای انجام فعالیت‌های خودجوش است؛ به عبارتی دیگر، زمانی که مأمور ترویج به عنوان تسهیل‌گر نقش داشته، مشارکت زنان کم بوده؛ اما زمانی که تسهیل‌گر نقشی نداشته و فعالیت‌ها درون‌زا بوده، مشارکت زنان بیش‌تر بوده است. از این مسأله می‌توان نتیجه گرفت که زنان روستایی، مأموران ترویج را به عنوان عوامل خارج از روستا می‌نگرند که زیاد قابل اعتماد نیستند. برای حل این معضل می‌توان از زنان تسهیل‌گر روستایی جهت آموزش زنان استفاده کرد. هشتمین اولویت، مربوط به پله مشاوره بود. این مسأله نشان می‌دهد که نیازسنجی زنان روستایی از طریق مصاحبه و گروه‌های متمرکز برای پی‌بردن به مشکلات واقعی آن‌ها محدود است. ارتقای حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آن‌ها، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، شرطی لازم در جهت توسعه پایدار است. این امر در نواحی روستایی که زنان از دیرباز و به گونه سنتی در کارهای اقتصادی خانواده مشارکت داشته‌اند، از ضرورت بیش‌تری برخوردار است (نوری زمان آبادی و علی محمدی، ۱۳۸۸، ص. ۹۵). براساس نتایج پژوهش، بیش‌تر زنان مورد مطالعه، کم-سواد و بی‌سواد هستند. این مسأله می‌تواند آن‌ها را در دستیابی به اطلاعات با مشکل مواجه کند. از این رو، توصیه می‌شود که آموزش‌های مرتبط با کسب‌وکارهای خانگی متناسب با سطح سواد زنان روستایی ارائه شود و سعی شود که بیش‌تر از وسایل ارتباط جمعی استفاده شود. هرچه قدر زنان مسن‌تر باشند، مشارکت‌گریزتر می‌شوند (گالووی ۲۰ و موچری، ۲۰۰۶). زنان روستایی نقش‌های گوناگون و متعددی بر عهده دارند؛ همسر، مادر، تولیدکننده محصولات زراعی، شریک در فعالیت‌های دام‌داری، دخیل در امر کاشت، داشت، برداشت، فرآوری، بازاریابی و تهیه خوراک و غذا، در کنار این، گرفتن وام از منابع گوناگون و داشتن آزادی عمل اقتصادی باعث می‌شود که زنان بهتر بتوانند از توانایی‌های خود آگاهی یابند و ابتکار عمل و خلاقیت از خود نشان داده، مشکل را شناسایی کنند، مهارت لازم برای حل مشکل را پیدا کرده و اقدام به حل مشکل کنند و توانمندتر شوند. نتیجه پژوهش علی بیگی، بابایی و غلامی (۱۳۹۱)، با نتیجه به‌دست‌آمده از نظر سابقه کار زنان روستای مورد مطالعه هم‌سو بود. براساس نتایج پژوهش ۵۰ درصد از زنان روستایی بیش‌تر از ۱۱ تا ۱۵

نسبت به دیگر عوامل اثر کم‌تری در افزایش قدرت مشارکت زنان دارد (شکل ۵).

این نتایج با یافته‌های ریچارد و ویلیام (۲۰۰۹)، صفری شالی (۱۳۸۹)، (ازاهری، ۲۰۰۸) و (دامیسا و یوهانا، ۲۰۰۷) هم‌خوانی دارد. تحلیل نتایج جدول هم‌بستگی گویای آن است که بین مؤلفه‌های اجتماعی فرهنگی، فردی- حرفه‌ای، مدیریتی- سازمانی، میزان وام دریافتی و درآمد، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به طوری که با افزایش این مؤلفه‌ها می‌توان به گسترش مشارکت زنان امیدوار بود. این یافته با نتایج مطالعات متعددی در گذشته مطابقت دارد که بر نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی، فردی^۵ حرفه‌ای و نهادی مدیریتی در میزان مشارکت افراد مورد مطالعه تأکید کرده‌اند؛ از جمله مطالعات ردی و همکاران، ۱۹۷۳؛ زرافشانی و همکاران، ۲۰۰۹؛ خانی، ۱۳۸۹؛ قوی بازو، ۲۰۰۴ و ساریخانی و طه، ۱۳۸۲ که معتقدند بین عوامل شخصی هم‌چون سن، سواد، میزان درآمد و مشارکت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در مقابل نیز طاهرخانی و قرنی آرانی، ۱۳۸۴؛ بنکس، ۲۰۰۰ و بووینچی، ۱۹۹۰ معتقدند که عوامل اجتماعی از جمله پایگاه اجتماعی و اقتصادی در افزایش مشارکت نقش دارند. شیور و اسکات، ۱۹۹۱؛ آمودیو، ۲۰۰۱ و گونین، ۲۰۰۳ نیز معتقدند که بین عوامل نهادی و مدیریتی و میزان مشارکت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود:

۱. از آن‌جاکه اکثر زنان شرکت‌کننده در این پژوهش از نظر سواد در سطح بالا و مطلوبی قرار داشتند و این خود می‌تواند به عنوان مانعی درصد مشارکت زنان روستایی را در بخش اقتصادی به‌خصوص کسب‌وکارهای خانگی کاهش دهد، مسؤولان و دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان در عرصه توسعه کشاورزی و روستایی باید با برنامه‌ریزی مدون و منطبق بر نیاز جامعه هدف جهت کاهش این معضل تلاشی دوچندان داشته باشند.

۲. ارتقای فرهنگی جامعه به سوی پذیرش و گسترش مشارکت زنان در فرآیند توسعه روستایی و فعالیت‌های اقتصادی به‌خصوص کسب‌وکارهای خانگی، تدوین طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در بخش اقتصادی براساس نیازها و اولویت‌های زنان روستایی و تشویق آن‌ها به مشارکت در طرح‌های اقتصادی، رفع موانع قانونی و سازمانی و وضع قوانین حمایتی هدفمند از زنان برای جلب مشارکت آن‌ها در فرآیند اقتصادی روستاها.

سال سابقه کار کشاورزی داشتند که نشان‌دهنده سابقه خوب آن‌ها در کارهای کشاورزی و داشتن دانش بومی بالاست. سابقه خوب زنان در کارهای کشاورزی و داشتن دانش بومی بالا در انتخاب روش‌های بازاریابی و پیدا کردن بازارهای هدف و انتخاب نوع محصول، کمک شایانی به زنان می‌کند. نتایج گویای آن است که ۶۱ درصد از زنان مورد مطالعه، سوادی در حد دیپلم و یا پایین‌تر از آن دارند که این زنگ خطری برای برنامه‌ریزان است؛ چون یکی از موانع مشارکت‌نداشتن سواد و تحصیلات است. غنیان، ۱۳۸۸؛ علی‌آبادی، میرک زاده و شمس، ۱۳۸۹؛ میرترابی و همکاران، ۱۳۹۱ معتقدند که کمبود سواد یکی از موانع مشارکت زنان است. در نتایج ارزیابی متغیرهای مستقل مدل در بین زنان فعال گویای آن است که از نظر آن‌ها راه‌اندازی این کسب‌وکار سبب بالارفتن دانش، روحیه خود باوری و عمل‌گرایی در بافت اجتماعی شده است (جدول ۵). یافته‌های حاصل از هم‌بستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین هر یک از متغیرهای مستقل با متغیر مشارکت، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نمودارهای مسیر در شکل (۵) نشان داده شده است. با توجه به شاخص‌های کلی برازش، می‌توان گفت که مدل از برازش مناسبی برخوردار است (جدول ۹). نمودار مسیر (شکل ۵)، بررسی اثرات متغیرهای مستقل نمایان‌گر آن است که مؤلفه‌های اجتماعی فرهنگی دارای بیش‌ترین اثر مثبت و معنادار بر متغیر مشارکت زنان هستند (۰/۴۴). در این میان، متغیرهای فردی- حرفه‌ای دارای اثر (۰/۲۱) و عوامل اقتصادی کم‌ترین اثر (۰/۱۴) بر متغیر وابسته مشارکت هستند؛ علاوه بر این، بررسی دیگر رابطه‌ها گویای آن است که طبق شکل (۵)، دو متغیر عوامل اقتصادی و اجتماعی فرهنگی با مقدار ۰/۴۵، بیش‌ترین کوواریانس را به خود اختصاص داده‌اند. این مطلب نمایان‌گر آن است که بین قدرت اقتصادی یک فرد و توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ علاوه بر این، نتایج گویای آن هستند که متغیر اجتماعی فرهنگی اثر مستقیم بر میزان مشارکت ظاهری دارد؛ ولی بیش‌تر اثر غیرمستقیم به مؤلفه مدیریتی^۶ سازمانی متعلق است که ۰/۴۱ درصد از تغییرات مؤلفه قدرت را تبیین می‌کند. در میان مؤلفه‌های مورد سنجش، مؤلفه‌های اجتماعی فرهنگی و مدیریتی^۶ سازمانی و اقتصادی اثرات مستقیمی بر پله‌های مختلف مشارکت دارد؛ به طوری که با بالارفتن فهم اجتماعی فرهنگی زنان و عوامل اقتصادی می‌توان امید داشت که مشارکت آن‌ها افزایش یابد؛ ولی مؤلفه مدیریتی سازمانی

یادداشت‌ها

1. Shabanali Fami
2. Chmielinski
3. Anthopoulou
4. Hoque & Itohara
5. Sherry Arnstien
6. Richard & william
7. David Mcclelland
8. Croxton
9. Pintrich
10. Robert Dahl
11. Liu
12. Swanson
13. Bergstrom
14. Azahari
15. Lipset
16. Huntington
17. Lerner
18. Rogers & Shoemaker
19. Parsons
20. Rocher
21. Helly
22. Breton
23. Idrisa
24. Reddy
25. Buvinci
26. Banks
27. Shaver & Scott
28. Amodeo
29. Guinnane
30. Galloway
31. Damisa & Yohanna
32. Ghavibazu

۳. با توجه به میزان مشارکت در پلّه مرتفع‌سازی و دگرگون‌سازی پیشنهاد می‌شود با انجام نیازسنجی مبتنی بر هدف از طریق گروه‌های متمرکز، زمینه‌ی بردن به نیازهای واقعی زنان روستایی در زمینه‌های اقتصادی و مدیریتی و جلب مشارکت آن‌ها جهت شرکت در این برنامه‌ها، برنامه‌های مدون و منطبق به نیاز فراهم شود.

۴. با توجه به میزان مشارکت در پلّه شراکت، تشکیل تشکلهای ویژه کسب‌وکارهای خانگی در روستاها پیشنهاد می‌شود تا این شرکت‌ها به تهیه برنامه‌هایی در رسانه‌های انبوهی ویژه زنان در جهت رفع نیازهای فنی و تکنولوژیکی مشاغل همّت بگمارند.

۵. با توجه به مشارکت پایین زنان در پلّه شراکت و نیز با توجه به نقش تعیین‌کننده مردان در مشارکت زنان در این پلّه، پیشنهاد می‌شود که در کسب‌وکارهای خانگی برای مردان مسائل نگرشی در مورد زنان نیز گنجانده شود. تقویت بنیه اقتصادی خانوارهای روستایی و احتساب کار خانگی زنان و سهم آن‌ها از درآمد خانوار در تولید ناخالص ملی و ارائه آن در آمارهای رسمی به همراه فراهم کردن زمینه‌های خوداشتغالی برای زنان روستایی که در قالب برنامه‌های آموزشی به مردان گوشزد شود.

کتابنامه

1. Agahi, H., & Hamad al-Haidari, Sh. (1384/2005). The role of cooperatives in improving the status of women in the development process. *Proceeding of the 1st Cooperation Conference, Employment & Development* (Pp. 1-12). Yazd University, Yazd, Iran. [In Persian]
2. Agahi, H., Mirak-Zadeh, A., & Taghi Beigi, M. (1391/2012). Prioritizing domestic factors affecting the business development of rural women. *Journal of Women and Society*, 3(3), 181-202. [In Persian]
3. Ahmadvand, M., & Sharif zadeh, M. (1390/2011). Determinants of social participation of rural women (Case study: Boyer Ahmad Twonship). *Journal of Women's Studies*, 9(3), 139-165. [In Persian]
4. Ali Abadi, V., Mirakzade, A., & Shams, A. (1389/2010). Analysis of barriers to rural women's participation in education and extension programs. *Journal of Rural Development*, 13(2), 147-165. [In Persian]
5. Ali Begay, A.H., Babayi, M. H., Gholami, M. (1391/2012). Analysis of rural women to participate in educational programs and promotional incentives. *Journal of Women and Society*, 3(4), 139-160. [In Persian]
6. AliBaygy, A. H., & Golabi, S. (1392/2013). The participation of rural women in the city of Isfahan cooperatives use of Ernestine Rose participation ladder. *Journal of Women and society*, 4(4), 20-44. [In Persian]
7. Amodeo, N. P. (2001). Be more cooperative to be more competitive. *Journal of Rural Cooperation*, 29(2), 115-24.
8. Anthopoulou, T. (2010). Rural women in local agrofood production: Between entrepreneurial initiatives and family strategies. A case study in Greece. *Journal of Rural Studies*, 26(4), 394-403.

9. Arnstein, S. R. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of planners*, 35(4), 216-224.
10. Azahari, D. H. (2008). Indonesian rural women: The role in agricultural development. *Analisis Kebijakan Pertanian*, 6(1), 1-10.
11. Banks, E. (2000). The Furtherance of Rural Cooperation. University of Wisconsin Center for Cooperatives, pp. 4-6.
12. Bergström, L. (2006). *Political participation: A qualitative study of citizens in Hong Kong*. Karlstad University.
13. Bozarjomheri, Kh., Shayan, H., & Sadeghi, F. (1391/2012). Determining the participation of rural women in agricultural activities (Case study: Banajoye Sharghi and Shomali Villages of district Bonab Azarbayjan Sharghi). *Journal of Arid Regions Geographic Studies*, 1(1), 69-86. [In Persian]
14. Breton, R. (1997). Social participation and social capital: Introductory lecture. *Proceeding of the 2nd National Metropolis Conference: Immigrants and Civic Participation: Contemporary Policy and Research Issues, Montréal*. Retrieved 26 June 2014 from http://canada.Metropolis.net/events/civic/rbreton_e.html.
15. Buvinic, M. (1990). *Women and poverty in Latin America and the Caribbean: a primer for policy makers* (Revised version). Washington, D.C: International center for research on women. Prepared for the Interamerican Development Bank (ICRW).
16. Chmieli ski P. (2007). The impact of the CAP on the development of rural entrepreneurship in Poland. *Journal of Zemes Ukio Mokslai*, 14, 35° 40
17. Croxton, S. (1999). Users in control: farmer participation in technology research and development. In *Meeting the Challenges of Animal Traction. A resource book of the Animal Traction Network for Eastern and Southern Africa (ATNESA), Harare, Zimbabwe. Intermediate Technology Publications, London* (pp. 45-50).
18. Dahl, R. (1374/1995). *Modern political analysis* (A. Mozafarian, Trans.). Tabriz: Marand Publication. [In Persian]
19. Damisa, M. A., & Yohanna, M. (2007). Role of rural women in farm management decision making process: ordered probit analysis. *World Journal of Agricultural Sciences*, 3(4), 543-546.
20. Entzaryan, N., & Tahmasebi, T. (1389/2010). Barriers and strategies for the development of domestic jobs in iran. *Magazine & Community Work*, 127, 78-98. [In Persian]
21. Galloway, L., & Mochrie, R. (2006). Entrepreneurial motivation, orientation and realization in rural economies: A study of rural Scotland. *The International Journal of Entrepreneurship and Innovation*, 7(3), 173-183.
22. Ghanian, M., Khani, Fh., & Ghadir Masoum. M. (1387). Role of rural women in exploitation, protection and restoration of natural resources in desert plains. *Journal of Women's Research*, 6(1), 11-19. [In Persian]
23. Ghavibazu, F. (2004). Gender in cooperatives. *Views of the International Labour Organization Cooperative*, (153), 50-55.
24. Gimeno, A., Baulenas, G., & Coma-Cros, J. (2010). Family business models. *Proceeding of the 1st Family Business Models* (pp. 57-77). London: Palgrave Macmillan UK.
25. Guinnane, T. W. (2003). Regional organizations in the German cooperative banking system in the late 19th century. *Journal of Research in Economics*, 51(3), 251-274.
26. Helly, D. (1997). Voluntary and Social Participation by People of Immigrant. *Proceeding of the 2nd National Metropolis Conference*, 23° 25 November, Montreal, Quebec, Canada.
27. Hoque, M., & Itohara, Y. (2008). Participation and decision making role of rural women in economic activities: A comparative study for members and non-members of the micro-credit organizations in Bangladesh. *Journal of Social Sciences*, 4(3), 229-236
28. Hosseini Nia, Gh. H., & Malek Mohammadi, A. (1382/2003). Attitudes towards the idea of actors working in the field of integrated management of sustainable pasture management and analysis of its influencing factors. *Journal of Agricultural Sciences*, 9(3), 169-143. [In Persian]

29. Huntington, S. (1996). *Political order in changing societies* (M. Salasi. Trans.). Science Publishing Publication.
30. Idrisa, Y. L., Sulumbe, I. M., & Mohammed, S. T. (2007). Socio-economic factors affecting the participation of women in agricultural co-operatives in Gwoza local Government, Borno State, Nigeria. *Journal of Agriculture, Food, Environment & Extension*, 6(2), 73-80.
31. Khani, F. & Ahmadi, M. (1389/2010). An analytical framework for studying gender inequality. *Journal of Women in Development and Politics (Women's Research)*, 8(3), 7-30. [In Persian]
32. Khani, F., & Ahmadi, M. (1388/2009). Explaining the factors affecting women's participation in socio-economic decisions in rural areas (Case study: rural areas of Zanjan County). *Journal of Women in Development and Politics (Women's Research)*, 7(4), 95-113. [In Persian]
33. Lahsayi zadeh, A. A., Jahanghiri, J., & Khajehnorri, B. (1384/2005). Study of rural women's economic participation (Case study: Fars Province). *Iranian Journal of Sociology*, 6(3), 124-145. [In Persian]
34. Lerner, D. (1958). *The passing of traditional society*. Glence, free publication.
35. Lipset, S.M. (1998). *Political man*. New York, free publication.
36. Liu, A. (2001). *Political Participation and Dissatisfaction with Democracy: A Comparative Study of New and Stable Democracies*. RM Institute, Retrieved 26 August 2014 [http:// www.Research Methods.org](http://www.ResearchMethods.org)
37. Mehrbanian, A., & Moazeni, S. (1383/2004). The role of rural women in agriculture (Case study: Asia). *Jihad*, 81, 130-139. [In Persian]
38. Mirtorabi, M., Hejazi, Y., & Hoseini, M. (1389/2010). Communication Factors Influencing Rural Women s Participation in Post-Harvest Activities of Karaj. *Journal of Woman and Society*, 1(4), 19-32. [In Persian]
39. Mirtorabi, M., Hejazi, Y., & Hosseini, D. (1391/2012). Communication factors affecting rural women's participation in post-harvest agricultural activities. *Journal of Socio-Psychological Studies of Women (Women's Studies)*, 10(1), 149-167. [In Persian]
40. Movahed, M., Enayat, H., & pour Nemat, A. (1387/2009). The relationship between social capital and political participation of women. *Journal of Humanities and Social Sciences*, 8(1), 161-190. [In Persian]
41. Nejahy, A., & Qasem pour, A. (1389/2010). A review of the current models of domestic businesses and provide an appropriate model for Iran. *Proceeding of the 1st National Conference on the Development of Domestic Jobs, Challenges and Solutions* (Pp.45-35). 8 December, Tehran, Iran. [In Persian]
42. Noori Zaman Abadi, S. H., & Ali Mohamadi, N. (1388/2009), an analysis of rural women economical activities (Case study: Baraan region Isfahan county). *Journal of Geography and Environmental Planning*, 20(2), 87-104. [In Persian]
43. Noruzi, F., & Bakhtiari, M. (1388/2009). Social participation and social factors affecting it. *Journal of Strategy*, 18(53), 269-249. [In Persian]
44. Pintrich, P. R., & De Groot, E. V. (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of Educational Psychology*, 82(1), 33-40.
45. Reddy, R. D., Fredonia, S., & smith, D. H. (1973). Who Participates in Voluntary Action?. *Journal of Extension*, 11(1), 17-23.
46. Richard, E., & Wiliam, P. B. (2009). Labor force participation of women in rural and urban China. *Journal of Rural Sociology* 56(1), 1-21.
47. Rocher, G. (1377/1998). *Sociology of Talcott Parsons* (A. Nikgozar, Trans.). Tehran: Tiban Publication. [In Persian]
48. Rogers, E.M., & Shoemaker, F.F. (2001). *Communication of Innovation* (F. Karami & M. Fanaei, Trans.). Shiraz: Shiraz University Press. [In Persian]
49. Roodgarnezhad, F., & Kyakjori, K. (1389/2010). Home-based business development challenges and obstacles. *Proceeding of the 1st National Conference on the Development of Domestic Business Challenges - Solutions* (Pp. 135-140), Graduates Employment Solidarity Organization (SID) and the Institute of Labor and Social Security, Tehran, Iran. [In Persian]
50. Safary Shali, R. (1389/2010). Social and cultural factors related to the participation of rural women's and family issues. *Journal of women*, 3(1), 191 -173. [In Persian]
51. Sari khani, N., & Taha, M. (1382/2003). Participation of women in the rural cooperative companies and factors affecting it (Case study: Kermanshah Province). *Cooperative*, 5(145), 78-82. [In Persian]

52. Shabanali Fami, H. (2006). Relationship between different characteristics of rural women with their participation in mixed farming activities. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 8(2), 107-117.
53. Shaditalab, N. (1381/2002). *Women's development challenges*. Tehran: Qatreh press. [In Persian]
54. Sharifzade, A., & Khaje shahkuhi, A. (1393/2014). Pathology of family businesses in rural development in the Glestan province. *Journal of Rural Studies*, 5(1), 1-24. [In Persian]
55. Shateri, P. (1387/2008). *Context, bottlenecks and barriers to women's participation in development*. Retrieved 26 July 2014 from <http://www.bpdanesh.ir>. [In Persian]
56. Shaver, K. G., & Scott, L. R. (1991). Person, process, choice: The psychology of new venture creation. *Journal of Entrepreneurship Theory & Practice*, 16(2), 23-45.
57. Swanson, B. (2001). *Agricultural extension* (E. Shahbazi & H. Hejazan, Trans.). Tehran: Exaction & Education Organization Publication. [In Persian]
58. Taher khani, M., & Gharani Arani, B. (1384/2005). The study of influential elements of the villager's propensity toward setting up rural cooperatives (Case study: the ghanavat of Qum county). *Journal of Geographical Researches*, 20(3), 81-101. [In Persian].
59. Zarafshani, K., Khaledi, Kh., & Ghanian, M. (1388/2009). Explaining rural women's participation in extension education program based on aronstein's ladder of citizen participation model. *Journal of Women's Researches*, 7(3). 107-128 [In Persian].



Assessment and Designing the Rural Women Participation in Domestic Occupations, According to Shirley Aniston ladder: Application of Structural Equation

Nasim Izadi *¹ – Vahid Aliabadi²- Heshmatollah Sa'di³

1- Ph.D. Candidate in Agricultural Education and Extension, Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran.

2- Ph.D. Candidate in Agricultural Education and Extension, Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran.

3- Associate prof., in Agricultural Education and Extension, Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran.

Received: 6 March 2014

Accepted: 28 April 2016

Extended Abstract

1. INTRODUCTION

Women are involved in various production activities and play an important role in family and the national-level economic. One of the important aspects of women's economic activity is domestic occupations. Domestic occupation is an occupation that launching with family members in the residential space. It is defined as an important strategy for creating jobs and incomes especially for women, around the world.

2. THEORETICAL FRAMEWORK

This research draws women participation in domestic occupations according to Sherry Ernestine ladder. In this research, the levels of participation is categorized based on the Sherry Ernestine ladder then past studies and structural equation model has been paid to study the factors affecting women's participation in domestic occupations. According to the Sherry Ernestine ladder of participation, there are eight types of partnership or 8 steps; each step shows the strength of people in decision making. The first step of participation ladder is "Manipulation" and the second step is "Therapy". These two-steps actually represents the lack of participation in decision making. The third step of participation ladder is "Informing" and fourth step is called "Consultation" and the fifth step of participation ladder is called "Placation". Step 6 of participation ladder is called "partnership" the participants to be able to negotiate a deal with the government agencies. The seventh step is "Delegated power" and the eighth step is called "control".

3. METHODOLOGY

This research is a quantitative and applied. In this research, descriptive-correlation method was used. The population was formed of rural women around the Kangavar city who used the self-employed loans to set up a domestic occupation. Census method was used based on a sample size. The main tool for research in the field was questionnaire that was made based on theoretical basis. Cronbach's

alpha was used to estimate reliability. The rate of this index was 0.82 ° 0.93, that shows we have a reliable questionnaire. A total of 168 questionnaires were filled out perfect. After completing the operation coding data, information extraction and transfer it was done on a computer. Statistical analysis (descriptive and inferential) was performed, after the data processing, by using SPSS and AMOS software.

4. DISCUSSION

Ranking of the respondents was performed based on the Friedman test. Finding indicated that therapy, Informing and manipulation were in better condition among the other rural women participation components, while other elements of participation among rural women is declining and risky and women can be vulnerable in this area. The results showed rural women s views and significant positive relationship between the external components like: socio-cultural, professional individual, institutional management, and economic participation of women in domestic occupations. The independent variables effects indicated that socio-cultural factors have the greatest positive effect in women participation (0.44) and economic factors have the least effect (0.14) on the dependent variable. Moreover, other relationship assessment show that economic and socio-cultural variables with the value of 0.45, have the greatest variance. This indicates that there is a significant positive relationship between the economic power of a person and his attention to social and cultural issues. In addition to the direct effects, the results indicate that socio-cultural and economic factors have a direct impact on the apparent participation rate and institutional - management has the greatest indirect effect (0.41). So, that in total variables involved in the model explained 76% of the participation variance.

5. CONCLUSION

Based on the findings, the current plan is top-down decision without considering the real needs of rural women. Therapy is the first priority. There was a

positive significant relationship among independent variables and participation and path analyses results show that economic, socio - cultural, professional and institutional - management components explain a total 76 percent of the women participation in domestic occupations. According to the results some recommendations presented:

1. Based on the findings, authorities and practitioners in the field of agricultural development and rural planners should be pushed to reduce this problem with the right planning and need assessment.
2. Promotion of society culture towards acceptance and expansion of women's participation in the development process of rural economic activities, especially domestic occupations planning, development projects and programs of rural development in the economic sector based on the rural women needs and priorities and encouraging them to participate

in economic projects and reduce legal and institutional obstacles for them and legislation supported laws about women's participation in rural economic processes.

3. recommended to understand the real needs of rural women in the field of economics and management and engage them to participate in these programs by purposively needs assessment through focus groups.

4. According to the participation in partnership step, recommended to launch domestic occupations associations in rural communities to produce programs in mass media, particularly for women, in order to meet their technical and technological needs.

Key words: Domestic occupation, Shirley Aniston ladder of participation, rural women, AMOS.

How to cite this article:

Izadi, N., Aliabadi, V. & Sa di, H. (2016). Assessment and designing the rural women participation in domestic occupations, according to shirley aniston ladder: Application of structural equation. *Journal of Research & Rural Planning*, 5(3), 39-60.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/45050>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی